

گزارشی از نحوه شکل گرفتن تیم معلمان جوان آموزشگاه دژاکام مهناز دژاکام

در طی سالیان متمادی تدریس، همیشه در حال آموختن مطالب جدید بودم. کلاً شخصیتم طوری شکل گرفته است که عاشق یادگیری هستم و تصور من بر این است که اگر انسان بخواهد در جاده موفقیت گام بگذارد باید همیشه در حال آموختن باشد و از آن مهم تر عمل کردن به آموخته‌هایش و آموختن اطلاعاتش به دیگران.

خدای مهربان، این شانس را در زندگی من قرار داد که در کنار پدری موزیسین رشد کنم و طی سالیان متمادی آموزش موسیقی همراه با رشد در زندگی جاری و ساری باشد، این یکی از عللی است که مرا هدفمند ساخت تجربیاتم را به شاگردانم که برایم چون فرزند هستند انتقال دهم.

اکنون ۳۰ سال است که تدریس می‌کنم، سالیان دور برای شروع کارم به مدت دو سال نزد پدرم کارآموزی و کاربینی داشتم و آغاز کارم با نظارت کامل ایشان همراه بود، و خود این امر سبب این شد که پایه ریزی تدریس ام محکم تر شود.

گزارشی از نحوه شکل گرفتن تیم معلمان جوان آموزشگاه دژاکام | ۲۱۵

عشقی که به آموزش دادن و تدریس داشتم عاملی شد که به دنبال راه‌های جدید در آموزش باشم. از مراکز نشر و پخش کتب موسیقی در تهران مرتب کتاب تهیه و مطالعه می‌کردم و آموخته‌هایم را در دفتری جمع‌آوری کردم. تحقیق و پژوهش و مطالعه بخشی از زندگی‌م را فراگرفته بود و من خشنود بودم که در حال آموختن هستم شاید بتوانم راه‌های درست آموختن موسیقی را به هنرجویانم پیدا کنم. سالیان زیادی طول کشید تا من به یک نتیجه عقلانی و منطقی برسم، برای ترم بندی آموزش موسیقی، چون تصور این بود که با این روش به چندین بخش از دیدگاه اصول آموزشی دست پیدا می‌کنم و به موازات این بخش‌ها، پرورش ذوق و قریحه، ایجاد انگیزه و علاقه محک زدن توانایی و استعداد هر هنرجو را هم باید در نظر داشته باشم.

«نمی‌شد یک نسخه برای همه نوشت، این اشتباه محض است.»

لذا باز هم بررسی کردم و چند سالی دوره‌های مختلف روانشناسی آموزش، کارگاه‌های انتقال مفاهیم از دیدگاه روانشناسی را گذراندم، که بسیار نکات کلیدی و مهمی را دریافت کردم.

تفاوت یادگیری در کودکان و نوجوانان بسیار زیاد است و همین‌طور راه‌های یادگیری آنها و آموزش هم فراوان است، مرتب در حین تدریس ام این روش را بر عرصه آزمون و خطا گذاشته بودم که بتوانم به نتیجه قطعی و جمع‌بندی برسم به نگرش من همه می‌توانند موسیقی را یاد بگیرند اما چگونه آموزش دادن مهم است و اصول خاصی دارد. هر آنچه از واکنش هنرجویان در یادگیری می‌دیدم یادداشت می‌کردم. شاید قریب دو سال روش آموزشی خاص خودم را بر روی گروه‌های مختلف سنی با توانایی یادگیری متفاوت و تغییر در خصلت‌های جامعه شناسی گوناگون به لحاظ خانواده بررسی کردم. داشتم به نتیجه قطعی تری دست پیدا می‌کردم که تصمیم گرفتم پس از سال‌ها مطالعه و بررسی بطور مفصل با ذکر جزئیات کامل و ریزه کاری‌ها روش تدریسم را بنویسم که بعد از تدوین نهایی، این روش را بطور جدی دنبال کردم و نتایج خوبی برایم به ارمغان آورد. و سبب هدفمندی و ایجاد انگیزه مضاعف برای هنرجویان در ادامه دادن مسیر هنریشان شد. چندین سال بدین منوال گذشت و با خود گفتم حالا که به یک روش مدون و منظم با تقسیم بندی اصولی و سیلابس کامل درسی رسیدم باید این روش به هنرجویان علاقمند و پیگیر که موسیقی را جدی دنبال می‌کنند آموزش دهم و اینکه

من که عمر نوح ندارم، پس بگذارم یاد و خاطره ای از این روش که سال‌ها برایش وقت گذاشتم به یادگار بماند.

شروع کردم به انتخاب کارآموز از میان هنرجویانم، نکاتی که برایم مهم بود نیروی صبر و شکیبایی، عشق و علاقه به تدریس، با انگیزه و هدفمند بودن در موسیقی. ابتدا با ساعات طولانی نشستن آنها در کلاس در کنار خودم آغاز کردم و خواستم آن چه را می آموزند یادداشت کنند. اولین هدفم از این کار این بود که صبر و تحملشان را محک بزنم و ببینم چقدر در این کار جدی و مصمم هستند برنامه هفتگی برای کارآموزی آنها مشخص کردم و از شون خواستم که به هیچ عنوان غیبت در زمان کارآموزی نداشته باشند زیرا باید روند آموزش هنرجو را بطور کامل نظاره‌گر باشند و همه چیز را یادداشت کنند، پس از مدتی افراد ثابت قدم و صبور و عاشق را یافتم و بطور جدی بر آنچه می دانستم به آنها آموزش دادم از تدریس تا ارتباطات با هنرجو خاص، اما کار به اینجا ختم نشد، از آنها خواستم ماهیانه کارگروه آموزشی و تحقیق داشته باشند و دور هم جمع شویم از آموخته‌های جدیدشان و حل چالش‌های تدریس هنرجو صحبت کنیم و راه حل پیشنهاد دهیم.

این سبب شد که آنها هم شروع به یادگیری نکات و آموخته‌های جدید بکنند. هر چه جلوتر می رفتیم عملکرد و جدیتشان در آموزش موسیقی بیشتر شد که باعث رضایت روحی و خشنودیم می گردید. حال آغاز تدریس آنها شده است، پس نامی را برایشان برگزیدم با تعمق و تفکر «معلم جوان» نامی که من برای تیم آموزش دیده ام گذاشتم و این نام دو علت داشت هم از جهت آگاهی دادن هنرجو و خانواده که با شناخت کامل و آگاهی معلمش را انتخاب کند و هم برای خود آنها، اینکه تیم معلمان جوان بدانند راه درازی در پیش دارد و باید بیاموزد و یاد بگیرد و تصور نکند به پایان راه رسیده است و چند قدم دیگر در زمان بردارد استاد شده است، نه این دیدگاه درست نیست. آنها را به لحاظ روحی طوری قوی پرورش دادم که به حاشیه‌ها توجه نکنند و هدفمند به جلو گام بردارند و همیشه در حال آموختن مطالب جدید باشند و با تلاش و پشتکار پله‌های هنر را طی کند.

خود من برای یقین پیدا کردن به روش آموزش ام چند سال قبل در کارگاه‌های پداگوژی دکتر پویان آزاده شرکت کردم، در این دوره‌ها تمامی متدهای رایج، بررسی

گزارشی از نحوه شکل گرفتن تیم معلمان جوان آموزشگاه دژاکام | ۲۱۷

می‌شود و نقاط ضعف و قوت هر کدام برجسته سازی می‌شود و همچنین سه کتاب روش آموزش نوین اروپایی (نوشته پروفیسور آمنتس) بررسی و آموزش داده می‌شود. در این دوره از استاد خواستم که روش تدریس خود را ارائه دهم که ارزیابی شود، و با این این کار اطلاعات بسیار خوبی از ایشان دریافت کردم برای بهینه سازی روش آموزش، و در مجموع کارگاه پداگوژی بسیار پربار و سودمند بود.

هم چنین از استاد عزیزم انوشیروان روحانی آموخته‌های فراوانی بدست آوردم که بسیار ارزشمند بودند و طی ۴ دوره مستر کلاس‌های ایشان که در آموزشگاه دژاکام برگزار گردید زمانیکه هنرجویانم نزد استاد کلاس می‌رفتند من حضور داشتم و خیلی روشن و شفاف اشکالات تدریس ام را بررسی می‌کردم و بسیار از محضر این استاد ارزشمند آموختم و امید دارم که خداوند فرصت بدهد که باز هم از محضر اساتید خوب بیاموزم.

من سخت اعتقاد دارم که هر نوازنده‌ای نمی‌تواند معلم شود، اگر هم بشود قطعاً معلم خوبی نیست. چون نوازندگی و آموزش دیدن برای تدریس (تربیت مدرس) لازم و ملزوم یکدیگرند. در آموزش هنرجو اگر پایه ریزی خوب و محکم می‌خواهیم باید ابتدا تربیت معلم درستی داشته باشیم، چون با آموزش صحیح معلم، هنرجو مسلماً پیشرفت شایان توجهی می‌کند. دوره تربیت مدرس به دید و تفکر من جایگاه ویژه‌ای دارد که متأسفانه در اجتماع هنری کنونی ما به آن بی‌توجهی شده است. با آرزوی اینکه بتوانم نقش موثری در تربیت مدرس موسیقی در شهر خودم داشته باشم و معلمان زبده و کارآمد در جامعه هنری کرمان تدریس داشته باشند.